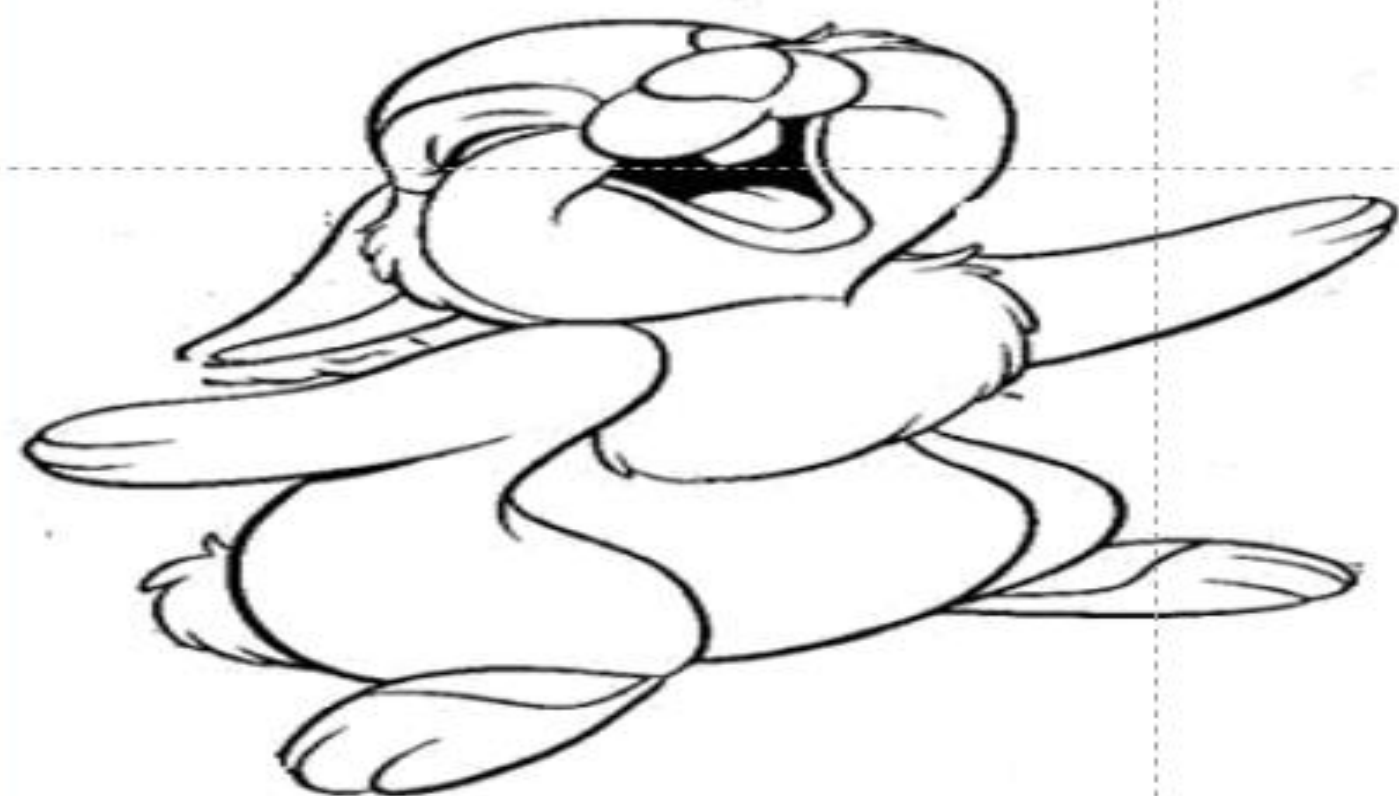


ر

مادر - در - راست - سرد - ترس - درس - دارا - سارا - سمور  
- سوسمار - سردار - بستر - تارا - شراب - برادر - ابرو - رود -  
دور - تور - سوداب - بور - مرد - سرما - سر - آرام - دور دست -  
دارد - درد - مار - روستا - سردرد - سار - آبر - آریاب - را - تر



مادر در دست بادام دارد.

در دور دست آب است.

رود آب دارد.

سارا توت دوست دارد.

مار ترس دارد.

روستا آباد است.

سارا سردرد دارد.

سارا برادر دارد.

آبر باران دارد.